

## آزادی در خطر است

**هموطن** بپاخیز، فرمان خفقان عمومی و مرگ آزادی صادر شده، بپاخیز و از آزادی و حقوق خود دفاع کن، ستارخان و باقرخان و هزاران سرباز جانباز آزادی بپاخیز و در میان آتش و خون از آزادی دفاع کردند.

**هموطن** آنها که از دیر باز بر سر نوشت این ملت حاکم بوده اند و حاصل حکمروائی بی قید و بندشان فقر و جهل و تیره روزی است - همیشه مستمسک اعمال خویش را «مصلح ملی» و «مصلحت عموم» قرار داده اند. مصالح ملی و نجات قانون اساسی ایجاب کرده کودتا کنند! مصلحت عموم تقاضا نمود که، خارجیان را بر مقتدرات میهن مسلط نمایند؛ هم در این ماه شانزدهم آذر بود که دو مراسم استقبال کاردار سفارت انگلیس حریم مقدس کلاس درس را شکستند و سه تن از برومندترین جوانان این سرزمین را قربانی کردند....

**هموطن** کسانی که برای حفظ قانون اساسی سوگند یاد کرده بودند، کسانی که بقول خود برای نجات قانون اساسی کودتا کرده بودند خود اثری از حکومت قانون برجای ننهاده و چنگیز مانند کشتند و سوختند و بردند... و **تومقاومت کردی**

**هموطن** وقتی کار پیشکش دادن منابع ثروت ملی با جانب خاتمه یافت و وقتی کشتار از حد گذشت و چپاول از اندازه بیرون شد و وقتی صبر و تحمل تمام گشت و وقتی دنیا از این همه تجاوز آشکار بحقوق انسانی بخشم آمد، دستگاه حاکمه در پی حیل ای تازه شد و مردی را که امروز متهم بسوء استفاده و دزدی است. مأمور مبارزه با فساد و تأمین حکومت قانون کرد، در این دوره کار بجائی رسید که رشوه علنی شد؛ سراسر این مرز و بوم میدان تاخت و تازتنی چند خائن یغماگر بی وطن گشت و ملیون ها دلار بعنوان حق مبارزه با فساد بحساب همین عده در بانکهای خارجی ریخته شد، نکتب فساد سراپایشان را فرا گرفت و رسوائی آن عالمگیر گشت...  
**هموطن:** کسانی که برای حفظ قانون اساسی سوگند یاد کرده بودند، کسانی که نجات ایران را از فساد و جبهه همت و برنامه کار خویش اعلام نموده بودند، خود اثری از حکومت قانون برجای ننهاده و زالوصفت هستی مردم را بکام کشیدند و خوردند

### ... و تومقاومت کردی

**هموطن** وقتی تومقاومت کردی، وقتی چون کوه استوار برجای ماندی، وقتی اراک را در دفاع از حیات ملی دیدند نیروهای توان باخته، استبداد و فساد، بازی مبارزه با فساد را رها کردند و بدست بازیگر، دیگری بازی «کار» را شروع نمودند. کار، کار، کار... بازم شروع شد، و کارها کردند که شیطان انگشت بدندان گزید؛ برای حفظ نظام دموکراسی حزب ساختند و مخارج آنرا از محل دزدیهای کلان در شرکت گوشت و از مرقوت مردم گرسنه، تأمین کردند، سیاست دروازه های بازار «دقیقاً» اجرا کردند و همه ذخایر ارزی مملکت را بر باد دادند، پیاپی بحساب ملت قرض کردند و بحساب خود ریختند و سیاست آبادانی مملکت در بنای چند کاخ برای دزدان اموال عمومی و آبادانی جیب آنان، خلاصه شد...  
**هموطن:** کسانی که برای نجات قانون اساسی قیام کرده بودند، کسانی که برای نجات ایران از افلاس و ورشکستگی کودتا کرده بودند؛ خود اثری از حکومت قانون برجای ننهاده؛ چپاول کردند و خزانه مملکت را با قرا خود؛ بورشکستگی و افلاس کشاندند... و **تومقاومت کردی**

**هموطن:** دشمنان آزادی حیران و درمانده، پس از آنکه از دو انتخابات زمستانی و تابستانی، بعنوان پوشش دموکراسی اعمال مستبدانه خود، نومید شدند، پس از آنکه هر دو انتخابات بر اثر ایستادگی فهرمانی ملت، ناکام ماند، پس از آنکه نیرنگ آزادی و کارها و تظاهرات دکتر امینی در این زمینه، کارگر نیفتاد، بعنوان آخرین تلاش؛ بازی متدل مبارزه با فساد را از سر گرفتند؛ پیش از صدور فرمان انحلال مشروطیت و برقراری استبداد؛ همه جا؛ در اذهان ساده بشدت تبلیغ کردند که امروز و فردا سیصد؛ چهارصد؛ پانصد؛ ۴۰۰ هزار دو هزار... نفر از دزدان نامدار را دستگیر خواهد کرد؛ دکتر امینی گفت تصمیم گرفته است دمار از روزگار دزدان اموال عمومی بدر آرد و جناح راست هیئت حاکمه را با نجا بفرستد که عرب بی انداخت... و ناگهان کشف شد که قانون اساسی به شخص پادشاه اجازه لغو قانون؛ اصلاح قانون؛ تصویب قانون را داده است... و مصالح ملی... ایجاب کرده که از این اختیارات استفاده شود...  
شگفتاً مگر اینها نبودند و نیستند که سالیان دراز مصالح ملی را فدای مصالح شخصی خویش نمودند؛ مگر دکتر امینی مبارز قهرمان با فساد عضو کابینه های فاسد زاهدی و علان بود؛ مگر اینها نبودند که ادعا میکردند برای نجات قانون اساسی... قیام کرده اند؛ مگر این اصل چهل و نهم متمم قانون اساسی نیست که میگوید پادشاه نمیتواند اجرای قوانین را تعویق یا توقیف نماید؛ مگر این همان اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی نیست که قانون گذاری را حق ویژه قوه مقننه دانسته؛ تصویب قوانین راجع به دخل و خرج مملکت و شرح و تفسیر قوانین را از وظایف مختصه مجلس شورای ملی اعلام کرده است شگفتاً مگر اینها که میخواهند دموکراسی را از ده شروع کنند؛ کسانی نیستند که دانشگاه را بی اغشاء تبدیل کرده و دانشجویان را در آب حوض انداختند و بچوب بستند؛ چرا مدعیان قیام برای نجات قانون اساسی... اینها بودند؛ لغو کنندگان قانون اساسی هم اینها هستند

**هموطن** « ادعای مبارزه با فساد » پایه گذاری دموکراسی در ده و... هیچکس را نمی فریبد؛ پرده نیرنگ دریده و دشمن در تمام جبهه ها یورش خود را علیه آزادی آغاز کرده است. مبارزه بیش از هر وقت دیگر جدی شده و باید مقاومت کرد... پای فشرد... نیروهای خود کامگی و استبداد را درهم شکست و پیروز شده ارواح شهدای آزادی... ارواح فرزندان خونین کفن خفته در گور وطن... نگران قیام و اقدام تو است ارواح آنها که در مبارزه علیه استبداد جان باختند... نگران آزمایشی است که تو باید با غرور افتخار بگذرانی... نگران است که تو چگونگی نه قدر راست میکنی و منشور استبداد را پاره مینمائی؟

**هموطن**، روز افتخار و شرف فرا رسیده است... دشمن میرود که از پای در افتد و زمان آن فرا رسیده که ضربه نهائی را بفرق غول استبداد فرو کویم؛ مبارزه ما بی گمان در شمار شورانگیزترین مبارزه های طول تاریخ قوم ایرانی است؛ ما تصمیم گرفته ایم بسرای همیشه حاکمیت ملت را بر سر نوشت خود مستقر سازیم، ما تصمیم داریم نظامی بوجود آوریم که در آن بر ملت ایران جز اراده ملت ایران حکومت نکند، ما تصمیم داریم بحکومت فردی خود کاهه پایان دهیم ما بپا خاسته ایم تا بر صفحه تاریخ دفاع افتخار آمیز خویش را، از استقلال و آزادی و شرف ملی، به ثبت رسانیم.

### هموطن

صفحه سر نوشت ورق خورده، درنگ مرگ است، بپاخیزیم و بر صفحه سفیدی که پشیاروی داریم بنویسیم؛ ما فرزندان این آب و خاک حیات را مقهور اراده خویش ساختیم، و از آزادی و شرف ملی را نجات داریم  
کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته بجبهه ملی ایران